

◆————◆  
فکر کنم باران دیشب مرا شسته

# امروز «تو»ام

◆————◆  
مجموعه شعر

کامران رسولزاده



آثار است فرورید

نور به قبرم بیارد  
که عاشق توام...

جرمت را نمی دانم  
تو هم ندان  
اما  
اینجا سلول دنجی ست  
که تو هم مثل من  
عاشق میله هاش می شوی،  
به بند زمین خوش آمدی...

ریختم عوض شده  
از وقتی تو را ریخته‌ام توی خودم  
حالا  
هم ریخت توام...

به دوستت دارم  
مدیونم  
و تو  
به من  
مدیونی  
که دوستت دارم...

دارم آخرین تگه‌های خودم را دور می‌ریزم  
راحت باش!  
حالا دیگر می‌توانی  
در من زندگی کنی...

از تو روسپی‌تر  
این دنیاست  
که زیبایی تو را  
فروخته به خیابان‌های این شهر  
بی‌آنکه بدانند  
تو شبیه معشوق منی...